

چرا دنیا به انسان شناسان نیاز دارد؟

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور

: چرا دنیا به انسان‌شناسان نیاز دارد؟/ به کوشش [صحیح: ویراستار] دن پودیت ...

[و دیگران]؛ مترجم وحید سلیمانی.

مشخصات نشر

: تهران: فرهامه، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری

: ۲۷۲ص: مصور.

شابک

: 978-600-8284-90-1

وضعیت فهرست نویسی

: قیفا

یادداشت

: عنوان اصلی: Why the world needs anthropologists, 2021

یادداشت

: به کوشش دن پودیت، متا گورپ، پاول براتسکی، کارلا گرن مونترو.

موضوع

: انسان‌شناسی

Anthropology

انسان‌شناسان

Anthropologists

شناسه افزوده

: پودیت، دن، ۱۹۷۵-م، ویراستار

شناسه افزوده

: Podjed, Dan, 1975-

شناسه افزوده

: سلیمانی، وحید، [و دیگران]، مترجم

رده بندی کنگره

: ۲۵GN

رده بندی دیویی

: ۳۰۱

شماره کتابشناسی ملی

: ۸۷۵۶۷۷۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی

: فیفا

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Dan Podjed, Meta Gorup, Pavel Borecký and Carla Guerrón Montero
(eds.) (2021) *Why the world needs anthropologists*, London and New York:
Routledge



www.farhameh.ir
farhameh@gmail.com

۰۹۱۰۴۵۱۷۳۶۱ - ۸۸۸۳۳۶۲۹ - ۶۶۴۰۶۶۷۵

چرا دنیا به انسان‌شناسان نیاز دارد؟

© حق چاپ: اول، ۱۴۰۱، فرهامه

به کوشش: دُن پودجت، متا گوروپ، پاول براتسکی، کارلا گُرُن مونترو

مترجم: وحید سلیمانی

ویرایش: واحد ویرایش مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

طراحی جلد: آتلیه مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

© همه حقوق برای انتشارات فرهامه محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از کپی‌برداری و بازنویسی و پی‌دی‌اف و سایر اشکال دیجیتالی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است. این کتاب با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

دیباچه

بی‌شک در دنیای امروز توقع جوامع از علوم گوناگون پاسخ این علوم به پرسش‌ها و چالش‌های این جوامع و ارائه راهکارهای عملی در مسیر بهبودی زندگی فردی و اجتماعی در محیط زیستشان می‌باشد. درواقع، اساساً، نگاه مردم به رشته‌های علمی نگاهی است ابزاری و توقع آنها از اندیشه‌ها و روش‌های مطرح در این رشته‌ها برآوردن نیازها و پاسخ به محدودیت‌های پیش روست. طبیعتاً هرچه نگاه این علوم برای مردم ملموس‌تر و واضح‌تر باشد، سرعت درک و شناخت و «پذیرش» آن رشته علمی برای مردم بیشتر و گسترده‌تر خواهد شد. اصولاً علومی که ذاتاً کاربردی هستند و ابعاد خدماتی آنها روشن‌تر است از اقبال عمومی بیشتری برخوردارند تا علومی که جنبه‌های نظری و گفتمانی آنها دستکم در چارچوب زمانی _ برجسته‌تر می‌باشد و این تفاوت آشکار علوم انسانی و اجتماعی با علوم تجربی یا به اصطلاح علوم «دقیقه» است. رشته علمی انسان‌شناسی هم از این قاعده مستثنی نیست. هرچند من معتقدم در میان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، انسان‌شناسی از جمله ملموس‌ترین و قابل‌فهم‌ترین علوم است و همچون مثلاً زبان‌شناسی قابلیت‌های کارکردی بلاواسطه‌ای برای مردم دارد؛ اما عجیب آنکه در کشور ما _ و ظاهراً در بسیاری از کشورهای دیگر _ همچنان رشته‌ای مهجور، ناشناخته و متأسفانه ناکارآمد است. بدون تردید علل و عوامل متعددی در این امر دخیل هستند که یک بررسی جدی را از سوی خود انسان‌شناسان می‌طلبد. اما به نظر من یکی از کلیدی‌ترین عوامل در این خصوص، تعریف گنگ و مبهمی است که انسان‌شناسان از این رشته علمی ارائه می‌دهند. البته این تاری و ابهام به‌نوعی در ذات خود این رشته نهفته است و آن هم بیشتر به خاطر گستردگی حوزه کاری آن و تنوع غریب میان‌رشته‌ای این دانش است، به طوری که گاه چنان با دیگر علوم همپوشانی دارد _ یا ادعای آن را می‌کند _ که تفکیک و تعیین جایگاه واقعی آن در مطالعات مربوطه مشکل و حتی ناممکن می‌گردد. چه‌بسا خود رشته انسان‌شناسی در ساختار چهارگانه کلاسیکاش (انسان‌شناسی زیستی، انسان‌شناسی فرهنگی، زبان‌شناسی، و باستان‌شناسی) چندان گیر و گرفت هویتی نداشته باشد. فی‌المثل یکی از واضح‌ترین و

مشخص‌ترین شاخه‌های این رشته که شناسه هویتی آن محسوب می‌شود یعنی انسان‌شناسی زیستی، هیچ‌گونه ابهامی در تعریف جایگاه و حوزه فعالیت خود ندارد و به‌وضوح چارچوب‌های نظری و عملی خود را تبیین و معرفی می‌کند. این مهم در بحث انسان‌شناسی فرهنگی (یا اجتماعی) نیز تاحدودی _ البته توأمان با توضیح و راهنمایی مضاعف _ صادق است. زبان‌شناسی و باستان‌شناسی نیز با توجه به صبغه طولانی و مستحکم خود، از نگاه انسان‌شناختی به میزان زیادی قابل فهم و درک هستند، اما ابهامات و مشکلات نظری و به‌ویژه کارکردی رشته انسان‌شناسی زمانی بروز می‌کند که زیرشاخه‌های متعدد و نوظهور آن _ که شاید محصول ناگزیر درون‌مایه این رشته است _ دائماً ظهور می‌کنند که از قضا این امر کاملاً در تضاد با نگرش کلاسیک این رشته به عنوان یک رشته کل‌نگر می‌باشد! انسان‌شناسی دین، انسان‌شناسی روان (روان‌شناختی)، انسان‌شناسی زبان (زبان‌شناختی)، انسان‌شناسی پزشکی، انسان‌شناسی هنر، انسان‌شناسی سیاسی، انسان‌شناسی سایبرنتیک و ... اشکال قضیه و سردرگمی در تعریف و تبیین نگرش و حوزه فعالیت از همان ابتدا یعنی «عنوان» این زیرشاخه‌ها متجلی است؛ یعنی جایی که مخاطب عام (و حتی گاه خود انسان‌شناسان) در فهم ترکیب واژه انسان‌شناسی با عناصر [علوم] دیگر در نقش صفت و موصوف یا مضاف و مضاف‌الیه دچار پیرشانی و کژفهمی می‌شوند. از عوارض جدی این سردرگمی‌ها تبدیل آن همپوشانی مطلوب به تحلیل‌رختن و ذوب این رشته در سایر علوم گردن‌فراخی است که انسان‌شناسی سعی (یا نیت) پهلوزدن به آنها و همپوشانی با ایشان را دارد، تا جایی که تفریق منش و روش این رشته از سایر علوم متوصل، مثلاً جامعه‌شناسی یا زبان‌شناسی یا روان‌شناسی و غیره، گاه غیرممکن و بسیار دشوار و اساساً عبث می‌گردد، به طوری که بعضی اوقات شأن و منزلت این علم تا حد زیادی تخفیف و تقلیل می‌یابد و کارایی واقعی آن به محاق کشیده می‌شود.

همان‌طور که اشاره کردم این درد مختص جامعه علمی ایران نیست بلکه چنان‌که در این کتاب هم می‌بینیم و تجربه‌های شخصی نیز شاهد آن است، در دیگر کشورها و جوامع آکادمیک آنها نیز معضلاتی مشابه به چشم می‌خورد تا جایی که نویسندگان و دست‌اندرکاران تدوین این کتاب نیز با برگزاری همایش‌های متعدد و تألیف چنین آثاری سعی در معرفی بهتر و توصیف و توضیح جایگاه علم انسان‌شناسی در میان سایر علوم و امکانات کاربردی و عملی آن داشته‌اند. عصاره آنچه که این دانشمندان بیان کرده‌اند توجه به «امکانات» دانش انسان‌شناسی برای «مداخله» در مواجهه با مشکلاتی است که «مردم» در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و جمعی خود با آن دست‌به‌گریبان‌اند. توجه به این امر باعث می‌شود تا رشته انسان‌شناسی پیله

خود را به عنوان یک دانش صرفاً نظری و شفاهی رها کرده و آن طور که خود مدعی است از پشت نیمکت‌های دانشگاه برخیزد و به درون جامعه و زندگی مردم ورود کند تا در عین حالی که صدای آنها و موکل آنها می‌باشد بتواند با اعتلای روش‌ها، الگوها و فرایندها، زمینه‌ها را شناسایی کرده و با پرده برداشتن از مجهولات (عمدتاً بدیهی) بسیاری از مسائل را حل کند. این انسان‌شناسان معتقدند که انسان‌شناسی توان و قابلیت ارتقای همه چیز را دارد و با مشاهده و تعامل و اقدام قادر است زمینه‌های تغییر در فرهنگ و انتقال آن را فراهم آورد. اساساً این تحولات میان مردم و فرهنگشان دوسویه است، یعنی هم این مردم هستند که فرهنگ را شکل می‌دهند و هم، از سوی دیگر، این فرهنگ است که به مردم شکل می‌بخشد. اصرار این دانشمندان بر شراکت انسان‌شناسان است در امور مدیریتی و مشاوره به شکل سازمانی؛ یعنی طی یک فرایند سه مرحله‌ای با مشارکت خود باعث پویایی سازمان‌دهی شده در نهاد مربوطه (دولتی، مردمی، دینی، بهداشتی ...) می‌شوند. این مراحل عبارت‌اند از: ۱) تولید و مشارکت و ساخت داده؛ ۲) مفهوم‌سازی و تحلیل؛ ۳) به اشتراک‌گذاری و تبادل آرا. آنها ایده جالبی دارند مبنی بر اینکه هرچه بیشتر بر رویات‌ها، هوش مصنوعی و آموزش ماشینی تکیه کنیم، بیشتر و واضح‌تر می‌فهمیم که به دانشمندان علوم اجتماعی و متخصصان علوم انسانی نیاز داریم. از نظر این انسان‌شناسان، هدف انسان‌شناسی رسیدن به راه‌حل‌های عملی و واقعی است برای بقای درازمدت انسان‌ها از طریق پژوهش، همکاری، و همسازي. شاه‌کلید آنها در این مسیر شیوه و نحوه نگاه انسان‌شناختی است؛ یعنی روش اندیشیدن و احساس کردن این امر محقق نمی‌شود مگر از مسیر کسب تجربه انسان‌بودگی در زمان و محیط به سبب تغییر و تبدیل و گذار. این روش اندیشیدن یا همان تفکر انسان‌شناسانه چگونگی اعمال و جهان‌بینی انسان‌ها را تفسیر کرده و سعی دارد با در نظر گرفتن نیازها و ملاحظات و انتظارات آنها، آنچه را که انجام می‌دهند درک کند.

کار انسان‌شناسی ترجمه مشکلات است به سؤالات انسان‌شناسانه، یعنی عنوان کردن آنها با استفاده از نظریه و روش انسان‌شناختی. عمده‌ترین نهیب این انسان‌شناسان کنار آمدن با ابهامات، تردیدها و نادانی‌های خودمان است تا بتوانیم با به‌کارگیری داوری بهنگام و نسبیت‌گرایی فرهنگی، خود را از هرگونه تفسیر ساده‌انگارانه و نتیجه‌گیری‌های زود هنگام مبری و مصون نماییم. از نظر این انسان‌شناسان، رسالت انسان‌شناسی چیزی نیست جز جست‌وجوی تجربیات انسانی و ثبت گوناگونی آن از طریق بررسی ساختارها، معانی، و برداشتها در آن مقوله خاص. به عقیده آنها هر قدر که یک موضوع از بیرون عجیب، غامض و یا ناشناخته به نظر آید، یک انسان‌شناس این فرض را در ذهن خود خواهد داشت که نوعی نظام‌مندی انتزاعی

خاص در بطن آن وجود دارد که ما به آن «فرهنگ» می‌گوییم؛ یعنی چیزی که باید بدانیم چگونه مطالعه‌اش کنیم، آن را بفهمیم، و بیانش کنیم. به این منظور به‌خصوص در عصر فناوری‌های هوشمند امروزی یک انسان‌شناس باید مهارت‌هایی چون بسترسازی، کنجکاوی، تفکر انتقادی، و داوری اخلاقی را در خود پرورش دهد تا بتواند به‌درستی مفاهیم را معنابخشی کند و با ارائه چشم‌اندازهای تازه از مردم مراقبت نماید.

امیدوار هستم که این کتاب و نقطه‌نظرات انسان‌شناسان برجسته‌ای که به شکلی جذاب و آموزنده در آن قلم زده‌اند، برای مخاطب ایرانی و به‌ویژه دانشجویان انسان‌شناسی و سایر علاقه‌مندان، راهبردی و انگیزشی باشد. با مطالعه این کتاب متوجه می‌شویم که در عصر نوین می‌بایست کمی از کلیشه‌های سنتی دانشگاهی فاصله گرفت و با روش‌های خلاقانه، و مهم‌تر از آن مداخله‌گرایانه و آینده‌محور به سراغ مسائلی رفت که در عین آنکه بسیار فنی هستند، اما در واقع اجتماعی‌اند. چنین انسان‌شناسی همه‌جا به درد می‌خورد؛ در دانشگاه، در اجتماع، در نهادهای حکومتی، در سازمان‌های دولتی، در بیمارستان‌ها، در کارخانه‌ها، و در وزارتخانه‌ها به‌خصوص وزارتخانه‌های متولی امور فرهنگی و آموزشی تا با حضور خود مانع از صدمات و لطمات ریز و درشت بر پیکره یک سرزمین می‌شوند. برای مثال حضور یک انسان‌شناس و مشارکت سازمانی و فعال او در وزارتخانه‌های نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مانع از حذف قسمتی از مطالب این کتاب درخصوص بیماری ایدز و یافته‌های مهم نویسنده میدان‌دیده آن می‌شد! در پایان، از مترجم توانا، جناب آقای وحید سلیمانی که همچون همیشه با متانت پیشنهاد ترجمه این کتاب را پذیرفتند، صمیمانه قدردانی می‌کنم.

پیمان متین

فروردین ۱۴۰۱

فهرست

۶	تقدیرنامه.....
۷	دیباچه.....
۱۵	مقدمه.....
۱۵	چرا دنیا به انسان‌شناسان نیاز دارد؟.....
۱۶	وسواس‌های صمدل و جوراب‌ها و تحقیقات در دره ولتای علیا.....
۱۹	تاریخچه این رشته بحث‌برانگیز.....
۲۲	کلیشه‌زدایی.....
۲۵	احیای انسان‌شناسی.....
۲۷	معضلات داغ سیاره ما.....
۲۹	به عمل درآوردن نظریه انسان‌شناسانه.....
۳۱	قدرتمندسازی سیاره‌مان.....
۳۲	درک پیچیدگی از درون.....
۳۴	پذیرش تفکر انسان‌شناسانه.....
۳۴	تأثیر سخت علم نرم.....
۴۳	فصل اول: نسبیست‌گرایی فرهنگی.....
۴۴	قدرت مردم‌نگاری.....
۴۶	چالش قیاس.....
۴۷	آنچه قیاس ناپذیر است.....
۴۹	ضرورت انسان‌شناسی.....
۶۳	فصل دوم: زندگی و تحقیق در دنیایی پر از تنوع.....
۶۴	معضلات مربوط به تنوع.....

- ۶۶..... معضلات زیست‌محیطی
- ۶۷..... معضلات آلودگی
- ۷۰..... دنیا جای بسیار کوچک‌تری شده است
- ۷۹..... فصل سوم: انسان‌شناس بودن چه حس و حالی دارد؟
- ۸۱..... چرا؟ داوری به‌نگام!
- ۸۲..... چرا؟ نزدیک شدن به مفهوم جریان‌دار بودن زندگی
- ۸۴..... چرا؟ ابعاد درونی و بیرونی
- ۸۶..... چرا؟ سوالات بزرگ در خلال مطالعه مسائل بسیار عینی
- ۸۷..... چرا؟ به داستان‌ها و ماجراها گوش فرا دهید!
- ۸۸..... تفکر پیچیده برای زمان‌های پیچیده
- ۹۹..... فصل چهارم: انسان‌شناسی در جهان پُرابهام
- ۱۰۲..... انسان‌شناسی در دنیای امکانات
- ۱۰۵..... جهت‌های جدید برای انسان‌شناسی
- ۱۲۱..... فصل پنجم: مرتبط‌سازی انسان‌شناسی با سایر مسائل مردم
- ۱۲۲..... انسان‌شناسی تحلیلی: فتح قله‌های جدید از طریق پروژه‌های گروهی
- ۱۲۴..... ایجاد مسیرهای جدید در دانشگاه
- ۱۲۶..... قاب‌بندی مجدد مسئله‌ها از منظر انسان‌شناسی
- ۱۲۹..... همکاری کلید کار است
- ۱۳۱..... از رشته دانشگاهی به حرفه تخصصی
- ۱۳۹..... فصل ششم: در جست‌وجوی تنوع و پیچیدگی
- ۱۴۰..... انسان‌شناسان و مطالعه توسعه در گذشته
- ۱۴۱..... معضل انرژی
- ۱۴۶..... ضرورت وجود انسان‌شناس‌ها در تیم‌های بینارشته‌ای
- ۱۵۱..... تلفیق مهندسی با انسان‌شناسی
- ۱۵۳..... چالش‌های اخلاقی در محیط
- ۱۵۵..... برق و مسئله انسان‌شناسی
- ۱۵۹..... فصل هفتم: سفر یک انسان‌شناس از جنگل‌های بارانی به نیروگاه‌های خورشیدی
- ۱۶۰..... فناوری‌ها و انرژی

۱۶۲	بررسی پیچیدگی.....
۱۶۶	تأثیرات تعرفه افزوده بر تولیدکنندگان.....
۱۶۸	توزیع انرژی تولیدی به درک بهتری از مصرف نیاز دارد.....
۱۶۸	فعالیت‌ها و رابطه با انرژی ریشه در بستر محلی دارد.....
۱۷۵	فصل هشتم: انسان‌شناسان مفهوم‌سازی می‌کنند، بینش می‌دهند و.....
۱۷۶	معنابخشی.....
۱۷۸	تنش‌ها بین کار در داخل و خارج از دانشگاه.....
۱۸۱	مراجعان چه کسانی هستند؟.....
۱۸۳	کاربران، یا بیماران، اعضا، مشتریان، همشهریان، همسایگان؟.....
۱۸۸	کمک آنتروپولوگرنه به سامسوی.....
۱۹۰	محلی عشق بورز، جهانی کامیاب شو.....
۱۹۵	فصل نهم: در صندوق گنج انسان‌شناسی را به روی جهانیان بگشاید.....
۱۹۶	قبیله شرکتی.....
۱۹۷	انسان‌شناسی شرکتی.....
۱۹۹	میل به تغییر فرهنگ‌های سازمانی.....
۲۰۱	ایجاد فرهنگ‌های شامل.....
۲۱۳	فصل دهم: نقش متخصصان در تسهیل شکل‌گیری تغییر.....
۲۱۴	جایگاه والای انسان‌شناس.....
۲۱۶	اندیشه انسان‌شناسانه به جای اندیشه طراحانه.....
۲۱۹	یادگیری از آثار کلاسیک.....
۲۲۰	متخصصان چه چیزی برای عرضه دارند؟.....
۲۲۶	پیوند دادن گذشته با حال و شکل‌دهی آینده.....
۲۳۳	فصل یازدهم: آیا ما واقعاً به انسان‌شناسان بیشتری نیاز داریم؟.....
۲۳۵	رساندن پیامان به گوش همگان.....
۲۳۷	ایجاد حرفه و شغل.....
۲۳۹	توجه به کار.....
۲۴۰	اندیشیدن شبیه یک انسان‌شناس.....
۲۴۹	آموزش روابط بین‌الملل در دورهٔ پسا شوروی.....